

## سازمان منابع طبیعی به انتقاد هادرباره برداشت درختان افتاده و شکسته در جنگل های هیرکانی پاسخ داد

# گام موفق اجرایی در راستای جنگلداری نوین



**زیست بوم /** سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری در واکنش به انتقاد های فعالان منابع طبیعی و کارشناسان جنگلداری درباره برداشت درختان شکسته، افتاده و ریشه کن در جنگل های هیرکانی، تأکید کرد که «فاز اول جنگلداری نوین» به معنای بازگشت به بهره برداری کلاسیک از جنگل نیست، بلکه برنامه ای کوتاه مدت و فنی - حفاظتی برای دوران گذار به مدیریت پایدار جنگل است. به گفته این سازمان، برداشت چوب تنها در موارد جمعی، غیرقابل اجتناب و براساس ضوابط کارشناسی انجام می شود و هدف اصلی آن، ساماندهی مخاطراتی مانند سیلاب، آتش سوزی، تخریب زیرساخت ها و تأمین هزینه های حفاظت در همان حوزه آبخیز است؛ رویکردی که سازمان آن را بخشی از تلاش برای حفظ اکوسیستم، تقویت نظارت میدانی و استقرار جنگلداری نوین در جنگل های شمال کشور می داند. محمد علی فاضل، مدیر کل دفتر جنگلداری و امور بهره برداری در پاسخ به انتقادات یادداشتی در اختیار «ایران» قرارداده که متن کامل آن را در ادامه می خوانید.

### توجه به تمام جوانب اکولوژیک، اقتصادی و اجتماعی

علم جنگلداری، هنر تلفیق و تدوین علوم مختلف مرتبط با جنگل است. یک مدیر جنگل، به دور از نگاه انتزاعی و انتفاغی، باید همه جوانب اکولوژیک، اقتصادی و اجتماعی را مدنظر قرار داده و برنامه ای تدوین کند که پایداری اکوسیستم جنگل برای بهره مندی نسل های آینده تضمین شود که در واقع به آن «مدیریت پایدار جنگل» گفته می شود. مدیریت پایدار جنگل، یک رویکرد نوین اکوسیستمی مبتنی بر حفظ، بهبود و ارتقای شاخص های پایداری اکوسیستم جنگل است که می توان آن را «جنگلداری نوین» نامید. جنگلداری نوین، در قالب مدیریت پایدار جنگل، در سطح حوزه آبخیز تعریف می شود. این نوع مدیریت، یک نوع مدیریت فرآیندی است که شامل چهار فاز «مقدماتی»، «مطالعه»، «اجرا» و «نظارت» پایش و ارزیابی است؛ است که همچون حلقه های یک زنجیر به یکدیگر متصل هستند.

سؤال اینجاست که با فرض تهیه و تدوین طرح مدیریت پایدار برای ۱۰۴ حوزه آبخیز جنگلی، برای دو فاز اجرا و نظارت و پایش چه باید کرد؟ آیا اجرای آن نیازمند زیرساخت های فنی و حفاظتی، ساختار اجرایی و نظارتی نیست؟ آیا به امکانات و تجهیزات حفاظتی و فنی، نیروی انسانی آموزش دیده و با تجربه و کارشناسان فنی، حفاظتی متخصص در بخش اجرا و نظارت نیازی نیست؟ در این راستا چه باید کرد؟ تا استقرار کامل مدیریت پایدار و جنگلداری نوین آیا جنگل های هیرکانی نیاز به برنامه فنی و حفاظتی ندارد؟ اگر چنین است!؟

پس با ۳۲۰ هزار هکتار جنگل کاری سنناتی در هیرکانی چه باید کرد؟ ۴۰ هزار هکتار سوزنی برگان استان گلستان که غالباً در اثر تنش آبی و رقابت با گونه های پهن برگ دچار خشکیدگی شده یا از بین رفته اند و اکنون خطر آتش سوزی را افزایش داده اند، چه باید کرد؟ آیا اجرای با زراعت چوب گیلان (۷ هزارهکتار) چه باید کرد؟ یا سیلاب آورده ها و طوفان زده ها چه باید کرد؟ با برداشت های اجتناب ناپذیر ناشی از اجرای طرح های عمومی و عمرانی و برخی درخواست های عمومی و مردمی چه باید کرد؟

با توجه به تجربیات میدانی و ستادی، صراحتاً عرض می کنم که تنها راه حل برای ساماندهی مسائل و پاسخگویی به ضرورت های فوق، تهیه یک برنامه فنی - حفاظتی کوتاه مدت تا زمان استقرار مدیریت پایدار جنگل و جنگلداری نوین در دوران گذار است. زیرا اهداف حفاظت و صیانت از جنگل صرفاً در چارچوب طرح و برنامه مدون و مبود محقق خواهد شد. طرز کار جنگل داران ایجاد چند گانه است و از دیدریاز مهم ترین هدف و وظیفه سازمان است، به عبارت دیگر همه فعالیت هایی که در داخل جنگل انجام می شود چه اقدامات فنی و چه حفاظتی به نوعی در راستای دستیابی به پایداری اکوسیستم و حفاظت از آب و خاک (دو جز مهم اکوسیستم جنگل) است، بنابراین نباید حفاظت را صرفاً در بعد حفاظت فیزیکی تعریف و خلاصه کنیم، زیرا ایجاد دیگران این یعنی حفاظت فنی بسیار مهم و ضروری است. برخلاف تصور، کمبود اعتبار مشکل اول سازمان نیست؛ مشکل اصلی، نحوه هزینه کرد و زمان هزینه کرد اعتبارات است. به عبارت

دیگر، تصویب و تخصیص به موقع اعتبار از جالش های بودجه ای عمومی کشور محسوب می شود. از آنجا که پروژه های منابع طبیعی بشدت به زمان و برنامه زمانی وابسته اند، وابسته کردن برنامه ها و پروژه ها به بودجه عمومی، تاکنون نتایج قابل قبولی در پی نداشته است؛ زیرا غالباً تخصیص منابع اعتباری در زمان مناسب انجام نمی شود.

### برنامه اجرایی کوتاه مدت

**همزمان با طرح مدیریت پایدار** به عنایت به مسائل و شرایط فوق، آنچه در حال حاضر در اولویت برنامه های سازمان و معاونت امور جنگل، بویژه دفتر جنگلداری، قرار دارد، این است که همزمان با تهیه طرح و انجام مطالعات تفصیلی مدیریت پایدار، یک برنامه اجرایی کوتاه مدت سه تا پنج ساله تحت عنوان «فاز اول یا فاز مقدماتی جنگلداری نوین» تهیه و اجرا شود. هدف این برنامه، حفظ زیرساخت ها، مدیریت حوزه آبخیز، تأمین امکانات و تجهیزات، جذب و تربیت کارشناسان جوان، ارتقای وضعیت کمی و کیفی بخش های فنی و حفاظتی، تقویت صف و حضور بیشتر کارشناسان نیروها در خط مقدم جنگل، ایجاد و استقرار ساختار نظارتی و مدیریت حوزه آبخیز، تأمین امکانات و تجهیزات، بهره گیری از فناوری های نوین و در مجموع ایجاد شرایط مناسب برای اجرا، پایش، نظارت و ارزیابی طرح مدیریت پایدار جنگل یا استقرار جنگلداری نوین است؛ برنامه ای که به رغم همه محدودیت ها و مشکلات موجود، دفتر جنگلداری و امور بهره برداری با بضاعت اندک اما با رویکردی هوشمندانه، مبتنی بر برنامه زمانی و به دور از حاشیه سازی و هیاهو، برای راد در دستور کار قرار داده است. فاز اول جنگلداری نوین، یک برنامه کوتاه مدت برای حفظ، بهبود و ایجاد شرایط مناسب در دوران گذار به منظور اجرایی شدن و استقرار مدیریت پایدار جنگل است. این برنامه دارای مجموعه ای از اقدامات فنی و حفاظتی و رسانه ای بوده و بخش اعظم آن به حوزه حفاظت اختصاص دارد؛ از جمله پرداخت به موقع دستمزد نیروها، مرمت و بازسازی زیرساخت های فنی و حفاظتی، تکمیل امکانات و تجهیزات و در نهایت ایجاد ساختار مدیریت واحد در سطح حوزه آبخیز. اولویت بندی و انتخاب حوزه های آبخیز در این دوره با هدف حل مشکلات موجود، براساس بررسی های کارشناسی و اعلام نیاز ادارات کل منابع طبیعی استان ها انجام شده است.

### برداشت بدون ضابطه ممنوع

در خصوص برداشت درختان ریشه کن، شکسته و افتاده در داخل جنگل باید عرض کنم دفتر جنگلداری و امور بهره برداری سازمان با برداشت و خروج این درختان، بدون ضابطه فنی و حفاظتی و بدون داشتن برنامه مدون و مصوب، بشدت مخالف است. به عبارت دیگر، ما به دنبال برداشت تک تک درختان ریشه کن،

شکسته و افتاده در تمام سطوح پارسل (بخش و قسمت) نیستیم؛ زیرا معتقدیم در این خصوص باید زیست سنجی صورت گیرد تا پراکنش، تنوع، تعداد و موجودی جمعی آنها در سطح پارسل مشخص شود. سپس، بعد از کسر جمعی که برای تنظیم و حفظ چرخه طبیعی مواد و انرژی اکوسیستم مورد نیاز است، صرفاً مازاد بر حد تعادل اکوسیستم و با رعایت اصول فنی و حفاظتی برداشت و خارج شود؛ موضوعی که در حال حاضر نیز در دستور کار قرار ندارد.

اما در خصوص درختان ریشه کن، شکسته و افتاده جمعی و غیرقابل اجتناب در ۱۳ حوزه آبخیز با سطحی معادل ۳۶۹ هزار هکتار (موضوع تبصره یک ماده ۱۲۴)، برآورد اولیه ما ۱۳۰ هزار مترمکعب بود که پس از بررسی های میدانی به ۷۰ هزار مترمکعب در یک دوره سه ساله کاهش یافت. لازم به ذکر است حدود ۴۰ درصد از این حجم مربوط به بهره برداری از درختان ناشی از اجرای پروژه های عمومی و عمرانی، ساماندهی رودخانه های اصلی و دائمی، درخواست های مردمی، درختان مزاحم مسیر برق و موارد مشابه است که در حال حاضر نیز برداشت می شوند. مابقی این درختان (ریشه کن، شکسته و افتاده جمعی) مربوط به بروز حواث طبیعی غیرمترقبه ناشی از طوفان، سیل، برف سنگین، لغزش و رانش زمین و سایر حوادث پیش بینی نشده است. به عبارت دیگر، ما با هدف برداشت درختان ریشه کن، شکسته و افتاده برنامه تهیه نکرده ایم، بلکه چون برداشت این درختان در برخی موارد اجتناب ناپذیر است، برای ساماندهی آن برنامه ریزی کرده ایم تا درآمد حاصل از آن در همان حوزه آبخیز و در بخش های فنی و حفاظتی هزینه شود. این اقدام علاوه بر کمک به حل بخشی از مشکلات موجود، موجب ایجاد اشتغال مستقیم و غیرمستقیم شده و در اقتصاد محلی نیز اثرگذار خواهد بود.

### چقدر از درختان شکسته و افتاده برداشت می شود؟

با توجه به اینکه موجودی جمعی درختان ریشه کن، شکسته و افتاده و پسماند چوبی در جنگل های هیرکانی به طور متوسط ۲۰۰۸۶ مترمکعب در هکتار برآورد شده است، با فرض برداشت ۴۰ هزار مترمکعب در سطح ۳۶۹ هزار هکتار طی سه سال، صرفاً حدود نیم درصد از این حجم برداشت خواهد شد و بیش از ۹۹.۵ درصد آن در جنگل باقی خواهد ماند و نقش خود را در پایداری اکوسیستم و تنظیم چرخه طبیعی مواد و انرژی ایفا خواهد کرد.

در شرایط کنونی آن چیزی که باید به آن توجه کنیم این است که برداشت یا عدم برداشت این درختان چه دستاوردی به مدیریت و اجرای برنامه های فنی و حفاظتی جنگل به همراه خواهد داشت؟ در صورتی که این درختان اجتناب ناپذیر برداشت و خارج نشوند، علاوه بر تشدید خسارات ناشی از سیلاب، تخریب زیرساخت های موجود به دلیل

انسداد آبراهه ها، ورودی پل ها و بستر رودخانه ها و نیز افزایش خطر گسترش آتش سوزی، سایر اقدامات فنی و حفاظتی و سرمایه های موجود در جنگل نظیر ساختمان های نظارت طرح، ایست های بازرسی، نگهبانی ها و سایر تأسیسات (به دلیل عدم تأمین یا تخصیص مبوق اعتبار دولتی) به تدریج از بین خواهند رفت و در آینده نیازمند سرمایه گذاری های کلان برای بازسازی خواهند بود.

آنچه مسلم است این که برنامه کوتاه مدت «فاز اول جنگلداری نوین» نه بازگشت به الگوهای جنگلداری کلاسیک است و نه استمرار وضع موجود؛ بلکه برنامه ای برای گذار تدریجی، علمی و واقع بینانه به سمت استقرار مدیریت پایدار جنگل است.

### لازم است برخی از اقدامات معاونت امور جنگل در سال های اخیر نیز به استحضار برسند:

- ۱- انجام مطالعات ارزیابی توان اکولوژیک (مطالعات آمایشی با مقیاس ۱:۵۰ هزار) به منظور تعیین کاربری ها و پهنه های مناسب در سطح ۱۰۴ حوزه آبخیز به وسعت ۲ میلیون و ۹۱۲ هزار هکتار و ایجاد یک بانک اطلاعاتی ارزشمند برای اولین بار.
- ۲- آغاز مجدد تهیه طرح به شیوه امانی پس از سال ها رکود، همراه با جذب، آموزش و پرورش کارشناسان و مهندسان جوان با هدف گذاری ۱۶۰ نفر که در حال حاضر ۷۰ نفر از آنان در حال تهیه طرح هستند؛ اقدامی مؤثر در بازسازی بدنه کارشناسی سازمان، بویژه در بخش نظارت و نیز کاهش هزینه های تهیه طرح.
- ۳- تهیه و به روزرسانی نقشه ها، کنترل مرزهای حوزه های آبخیز، تکمیل اطلاعات علوم پایه، شناخت اجزای اکوسیستم و تدوین برنامه های زمانی و مکانی در سطح آبخیز.
- ۴- انتام پروژه ارزیابی کمی و کیفی جنگل ها با متدولوژی جدید و استفاده از فناوری های هوشمند و برخط، به شیوه امانی و با به کارگیری کارشناسان جوان.

۵- توجه ویژه به ابعاد اقتصادی و اجتماعی، بویژه مشارکت و تحلیل ذی نفعان و انجام مطالعات مرتبط به صورت مستقل در سطح حوزه های آبخیز.

۶- توجه ویژه به حوزه حفاظت و حمایت جنگل و انجام مطالعات مرتبط به صورت مستقل در سطح حوزه های آبخیز.

۷- انجام همزمان مطالعات تفصیلی مدیریت پایدار جنگل در ۲۶ حوزه آبخیز به دو شیوه پیمانی و امانی، لازم به ذکر است، هدف اقتصادی و اجتماعی سازمان در اجرایی شدن برنامه های فنی و حفاظتی فوق، بهبود وضعیت فنی و حفاظتی (صیانت) جنگل، کاهش میزان ریسک پذیری و مخاطرات اکوسیستم جنگل (ارتقای ضریب حفاظتی جنگل) و احیای مجدد تعاونی جنگل نشانیان است. به عبارت دیگر، تمام درآمدهای حاصل، برای بهبود وضعیت جنگل همان حوزه آبخیز هزینه می شود و در اقتصاد و معیشت محلی آن منطقه تأثیر مستقیم و غیرمستقیم دارد (در واقع موجب توان افزایش جرخ نشانیان می شود). در پایان باید یادآوری کنم؛ کدام سازمانی را می شناسید که دارای سابقه و تجربه مدیریتی و شش دوره طرح جنگلداری تجدیدنظر، معادل ۶۰ سال تجربه مستمر در برخی مناطق جنگل های هیرکانی باشد؟ تقاضا دارم به علم مدیریت جنگل و تجربیات ارزشمند شمت ساله گذشته توجه کنیم، واقع بینانه بپذیریم، صادقانه نقد کنیم و بر اساس واقعیات میدانی اظهار نظر نماییم و کمک کنیم تیم حاضر بتواند مشکلات موجود را حل کند؛ زیرا موفقیت این مسیر در گرو هم افزایی سازمان، دانشگاه ها، مراکز تحقیقاتی، صاحب نظران، جوامع محلی، رسانه ها و همه ذنخه مندان منابع طبیعی کشور است و ما برای دیدگاه ها و نظرات آنان احترام قائلم.

همچنین سازمان و معاونت امور جنگل در گذشته از دانشکده های منابع طبیعی، مؤسسه تحقیقات منابع طبیعی و آبخیزداری و دانشگاه علوم و تحقیقات تهران برای همکاری در تهیه طرح های تفصیلی، اجرایی مدیریت پایدار جنگل در حوزه های آبخیز مورد نظر دعوت به همکاری کرده است. هم اکنون نیز از همه دانشکده های منابع طبیعی، صاحب نظران و علاقه مندان درخواست می شود با ارائه راهکارها و تجربیات خود در این مسیر و یا تهیه طرح های تفصیلی اجرایی، همراه و یاریگر سازمان باشند.



**تلاش برای**  
**تکمیل مدیریت**  
**پایدار و**  
**جنگلداری**  
**نوین آبی**  
**جنگل های**  
**هیرکانی نیاز**  
**به برنامه فنی**  
**و حفاظتی**  
**ندارد؟**  
**اگر چنین**  
**است!؟**

**پس با ۳۲۰**  
**هزار هکتار**  
**جنگل کاری**  
**سنناتی در**  
**هیرکانی چه**  
**باید کرد؟**

**با ۴۰ هزار**  
**هکتار**

**سوزنی برگان**

**استان**

**گلستان که**

**غالباً در اثر**

**تنش آبی**

**ورقابت با**

**گونه های**

**پهن برگ دچار**

**خشکیدگی**

**شده یا از**

**بین رفته اند**

**و اکنون خطر**

**آتش سوزی**

**را افزایش**

**داده اند، چه**

**باید کرد؟**

**با زراعت**

**چوب گیلان**

**(۷ هزارهکتار)**

**چه باید کرد؟**

### یادداشت



**نورالله مرادی**  
معاون سابق آموزش و مشارکت های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست

## ضرورت ایجاد دو واحد ایران شناسی در دروس عمومی دانشگاه ها



زمانی که در سازمان حفاظت محیط زیست مسئولیت داشتم، یکی از برنامه های ارزشمندی که همکارانم در معاونت آموزش در پی تحقق آن بودند، گنجاندن دو واحد درس «شناخت محیط زیست» در دروس عمومی دوره کارشناسی دانشگاه ها بود. با بافشاری و پیگیری های فراوان، سرانجام این درس را به صورت آزمایشی در ۱۰ دانشگاه دولتی «ایران شناسی» نیز در دروس عمومی لحاظ می شد تا دانشجویان همه رشته ها با گذراندن این درس، شناخت عمیق تری از وجوه تمدنی و توسعه ای کشور عزیزمان پیدا کنند. در این جستا، بر آنم تا از اهمیت بنیادین درس ایران شناسی در مقطع کارشناسی بگویم.

اگر بخواهیم تعریفی عام از ایران شناسی ارائه کنیم، این رشته در معنای عمومی اش، دانش شناخت نظام مند و همه جانبه هویت ایرانی» در ابعاد تاریخی، فرهنگی، جغرافیایی، زبان شناختی، هنر و اندیشه است و در ساحتی عمیق تر، دانش کشف و تبیین «منطق درونی» تمدنی چند هزار ساله محسوب می شود؛ علمی که ایران را نه صرفاً به عنوان یک جغرافیا، بلکه به مثابه یک «واحد فرهنگی مستمر» در طول تاریخ مطالعه می کند و موجبات خودآگاهی ملی و

تداوم تمدنی را در سطوح داخلی و جهانی فراهم می آورد. بررسی دروس عمومی دوره کارشناسی، حکایت از خلایق بزرگ دارد که در شرایط امروز جامعه ایرانی بیش از پیش خودنمایی می کند. بازنگری در این دروس و افزودن سرفصل های تازه، امرورزه به ضرورتی انکارناپذیر بدل شده است. دانشجوی کارشناسی باید از سرزمینی که قرار است دانشش را در آن به «کشف» تبدیل کند، شناخت کافی داشته باشد. از این رو، گنجاندن دو واحد درس ایران شناسی برای تمامی رشته ها، نه یک پیشنهاد فوق برنامه، بلکه «ضرورتی معرفتی» برای تعالی دانش و ارتقای خدمت به سرزمین قلمداد می شود.

ایران شناسی به متخصص آینده می آموزد که او در خلأ فعالیت نمی کند و قدم هایش باید به پیشرفت موفتنش منجر شود. مهندسی که از منطق سازگاری «فنا» با کویر بی خبر است، یا معمار و شهرسازی که فلسفه «حیای کالبدی» در خانه های ایرانی را نمی شناسد، همواره با بافت بومی خویش بیگانه خواهد ماند. ایران شناسی، «هوش فرهنگی» دانشجویان را تقا می دهد تا تخصص خود را به جای «تحمیل بر محیط»، با «نیاز محیط» همسو کند. ما نیازمند متخصص هستیم که بدانند برشانه های کدام تمدن ایستاده است تا بتوانند میراث داری هوشمند در ندای جدید باشند. یکی از بزرگ ترین چالش های امروز آموزش عالی، پدیده مهاجرت نخبگان است. ریشه این پدیده، بیش از آنکه اقتصادی باشد، در بسیاری از موارد «انگیزشی» و هویتی» است. دانشجویی که ایران را تنها با اخبار روزمره و چالش های گذرا می شناسد و از عمق تمدنی، ظرفیت های ژئوپلیتیک و قدرت ترمیم شونده کی تاریخی این سرزمین بی خبر است، به سادگی دچار حس «بی آینده گی» می شود. ایران شناسی با رویکردی تحلیلی و نه شعاری، «ارزش دارایی ملی» را تبیین می کند. وقتی دانشجوی وجوه تمدنی و ساحت های مختلف فرهنگی کشور را ادراک کند و خود را بخشی از یک «کل ارزشمند» ببیند، پیوند عاطفی با خاک مستحکم تر می شود. شناخت دقیق ایران، نوعی «عرق ملی خردورزانه» ایجاد می کند که قوی ترین مانع در برابر ناامیدی و سرخوردگی است.

ایران، بومیایی منحصر به فرد از اقوام، زبان ها و خرده فرهنگ هاست که از پیشینه هزاران سال پوسنگی فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی برخوردار است. دانشگاه به عنوان محل تجمع جوانانی از سراسر این جغرافیا، بهترین مکان برای «هم شناسی ملی» است. درس ایران شناسی می تواند با معرفی علمی تنوع فرهنگی و زبانی ایران، احترام متقابل و درک عمیق میان اقوام را نهادینه کند. این شناخت، مانع شکل گیری تعصبات کور و وراکری های فکری می شود و به افتخارآمیز باشد؛ یعنی نشان دهد ایران در طول تاریخ خود چه دستاوردهایی را به جهان عرضه کرده و چه خشت هایی بر دیوار دنیایی بشر افزوده است.

ایجاد درس «ایران شناسی» در مجموعه دروس عمومی، پیشنهادی برای شناخت عمیق تر کشور عزیزمان است. ما نمی توانیم از دانشجویی که خانه اش را نمی شناسد، انتظار داشته باشیم برای آبادانی آن فداکاری کند. شناخت، مقدمه محبت است و محبت، منشأ مسئولیت پذیری. این دو واحد، «قطب نمای» دانشجوی ما در اقیانوس ملاحظه عصر جدید خواهد بود تا بدانند از کجا آمده است و به کجا می رود. وقت آن است که «ایران»، از یک نام در شناسنامه، به یک «آگاهی عمیق» در ذهن نخبگان تبدیل شود.

## آیین نامه کاهش مصرف کیسه های پلاستیکی همچنان در پیچ و خم اجرا



رئیس گروه پسماندهای عادی و کشاورزی سازمان حفاظت محیط زیست با اشاره به تصویب آیین نامه کاهش مصرف کیسه های پلاستیکی در مهرماه ۱۴۰۱ گفت: «با وجود تعیین تکلیف مشخص برای دستگاه ها، بخش مهمی از این آیین نامه بویژه مواد ۲ و ۳ هنوز اجرایی نشده است.» سید مجتبی صدرزاده در گفت وگو با ایسنا اظهار کرد: «ماده ۲ این آیین نامه، وزارت صمت را موظف کرده بود تولید کیسه های پلاستیکی نازک با ضخامت کمتر از ۲۵ میکرون را محدود و زمینه جایگزینی آنها با کیسه های سازگار با محیط زیست و زیست تخریب پذیر را فراهم کند، اما تاکنون اقدامی در این زمینه انجام نشده است.» وی افزود: «ماده ۳ نیز به محدودیت می ممنوعیت توزیع کیسه های پلاستیکی در فروشگاه های زنجیره ای و سوپرمارکت ها آغاز کرده است.» صدرزاده با اشاره به کاهش

## گاندو؛ دایناسور زنده ای در تالاب های جنوب شرق ایران



شرق، بویژه در امتداد رودخانه های هوکلات، کاجو و منابع آبی مرتبط زندگی می کند.» به گفته او، ایفا جمعیت حاشیه ای ترین جمعیت جهانی گاندو به شمار می رود و از نظر تنوع زیستی اهمیت بالایی دارد. مبارکی تخریب زیستگاه را

کارشناس دفتر حیات وحش سازمان حفاظت محیط زیست با اشاره به روز جهانی تمساح (۲۷ خرداد) گفت: «تمساح که از آنها به عنوان «فسیل های زنده» و بازماندگان دوران دایناسورها یاد می شود، بیش از ۲۰۰ میلیون سال قدمت دارند و امروز ۲۶ گونه از آنها در جهان باقی مانده است.»

اصغر مبارکی به «ایرنا» گفت: «تمساح ها شکارچیان راس هرم غذایی و از گونه های کلیدی اکوسیستم های تالابی هستند که با تنظیم جمعیت سایر گونه ها، نقش مهمی در تعادل زیستگاه ها ایفا می کنند.» وی با اشاره به وضعیت تمساح در ایران افزود: «در کشور، جمعیتی بیش از ۵۰۰ سزار از تمساح مردابی یا «گاندو» در زیستگاه های جنوب